



www.ira nnews pa pe.ir
editoria l@ira n-news pa pe.ir

مجله هفته تحریکات استانی تهران
۱۴۵۵مهر ۱۴۰۵شماره ۹۱



از همسایگی ری تا شهری در حصار

در جنوب تهران، ری یکی از کلیدهای شناخت گذشته این پهنه است. آثار چشمه علی، سابقه استقرار و زندگی در این محدوده را به حدود هشت هزار سال پیش می‌رساند؛ زمانی بسیار پیش‌تر از آنکه تهران به‌عنوان شهر شناخته شود. ری در دوره‌های بعد، شهری بزرگ و اثرگذار در تجارت، دانش و سیاست بود و تهران، آبادی‌ای در شمال آن؛ جایی که باغ‌های میوه، زمین‌های کشاورزی و دسترسی به آب، امکان زندگی و دادوستد را فراهم می‌کرد. رشد تهران تدریجی بود. قرارگرفتن در مسیررفت‌وآمد و پیوند با ری به رونق آن کمک می‌کرد. با حملات مغول در قرن هفتم هجری قمری و آسیب سنگین ری، توازن آبادی‌های منطقه تغییر کرد؛ جابه‌جایی بخشی از جمعیت و فعالیت‌ها، بر اهمیت تهران افزود. با این حال، تبدیل این آبادی به شهر و سپس پایتخت، فرایندی چندصدساله بود که آب، راه، امنیت و تصمیم‌های سیاسی در آن سهم داشتند. نقطه عطف در دوره صفوی رخ داد. شاه‌طهماسب اول در سال ۹۶۱ هجری قمری، در میانه دهه ۱۵۵۰ میلادی، دستور ساخت حصارِ پیرامون تهران را داد. بازار و استحکامات، به آبادی سیمایی شهری بخشیدند و جایگاه آن را در شبکه ارتباطی و دفاعی منطقه تقویت کردند. حصار، مرزی برای شهر بود؛ درون آن، محله‌ها و بازار توسعه یافتند و بیرون آن، باغ‌ها و کشتزارها همچنان با زندگی تهران پیوند داشتند.



نامی قدیمی با معنایی محل بحث

نام تهران از پایتخت‌شدن آن بسیار قدیمی‌تر است. در کتاب «تاریخ بغداد» خطیب بغدادی، نوشته‌شده در قرن پنجم هجری قمری، از (راوی‌ای با نسبت «تهرانی رازی» یاد شده است؛ نشانه‌ای از شناخته‌بودن نام این آبادی در سده‌های پیشین. نام تهران در منابع تاریخی با املای «طهران» نیز آمده و این صورت نوشتاری تا دوره معاصر رواج داشته است. درباره ریشه لغوی این نام، اتفاق نظر وجود ندارد. احمد کسروی، تهران و شمیران را در ارتباط با تفاوت اقلیمی این دو ناحیه تفسیر کرده و معنای «جای گرم» را در برابر «جای سرد» پیشنهاد داده است. توضیح‌های دیگری نیز درباره اجزای نام و موقعیت جغرافیایی تهران مطرح شده‌اند، اما هیچ‌یک را نمی‌توان معنای قطعی و پذیرفته‌شده آن دانست. آنچه روشن است، قدمت نام تهران و پیوند دیرینه آن با آبادی‌های دامنه جنوبی البرز است.



انتخابی که سرنوشت تهران را تغییر داد

در سال ۱۱۶۵ خورشیدی، برابر با ۱۲۰۰ هجری قمری و ۱۷۸۶ میلادی، آقامحمدخان قاجار تهران را پایتخت قرار داد. موقعیت این شهر در مسیرهای ارتباطی، امکان دسترسی به نواحی مختلف کشور و نزدیکی به پایگاه قاجارها در شمال ایران، در این انتخاب نقش داشت. تهران برای حکومتی که در حال تثبیت قدرت خود بود، موقعیتی مناسب داشت و با استقرار دربار و دستگاه اداری، به مرکز تصمیم‌گیری کشور تبدیل شد.



پایتختی، آهنگ رشد شهر را تغییر داد

مجموعه حکومتی ارگ و کاخ گلستان اهمیت بیشتری یافت، بازار گسترش پیدا کرد و نیازهای حکومت، نیرو و سرمایه را به تهران کشاند. در دوره ناصرالدین‌شاه، توسعه شهر و ساخت حصار تازه، تهران را از محدوده پیشین فراتر برد. در سده بعد، خیابان‌کشی، گسترش آموزش و صنعت و موج‌های مهاجرت، باغ‌ها و آبادی‌های پیرامون را به اجزای کلان‌شهر بدل کردند. امروز، حدود ۲۴۰ سال از آغاز پایتختی تهران می‌گذرد. تهران در این مدت، صحنه بسیاری از تحولات تعیین‌کننده ایران بوده است؛ از نهضت مشروطه و شکل‌گیری مجلس تا انقلاب اسلامی و رویدادهای مهم دهه‌های پس از آن. در متمم قانون اساسی مشروطه، در سال ۱۲۸۶ خورشیدی، اصل چهارم تصریح کرد: «پایتخت ایران طهران است». چهاردهم مهر، با ارجاع به تثبیت قانونی جایگاه پایتخت، مبنای گرامیداشت روز تهران قرار گرفته است. پیشنهاد این نام‌گذاری در سال ۱۳۹۵ در شورای شهر مطرح شد و در سال ۱۴۰۴، شورای فرهنگ عمومی استان تهران نیز آن را تصویب کرد.

روایت شکل‌گیری پایتخت؛ از آبادی کناری تا کلان‌شهر امروز

تهران چگونه تهران شد؟

داستان تهران از سکونتگاه‌های کهن، باغ‌ها و راه‌های ارتباطی آغاز می‌شود؛ با حصار صفوی و انتخاب قاجارها تغییر مسیر می‌دهد و به شهری می‌رسد که سرگذشت آن با تاریخ معاصر ایران گره خورده است.

سال ۱۳۹۳، در خیابان مولوی تهران، بقایای زنی از دل خاک بیرون آمد که در گزارش‌های کاوش، قدمت آن حدود هفت هزار سال برآورد شد. زیر‌خیابانی در پایتخت امروز، نشانه‌ای از زندگی انسان در هزاران سال پیش پیدا شده بود. سال بعد، بقایای انسانی دیگری و ابزارهای سنگی در همان محدوده به دست آمد. این کشف‌ها پرسشی را دوباره پیش کشید: شهری که امروز با برج‌ها، بزرگراه‌ها و میلیون‌ها ساکن شناخته می‌شود، چگونه شکل گرفت و چرا مرکز سرنوشت سیاسی ایران شد؟



دیدنی‌هایی که هرکدام بخشی از قصه‌اند

در تهران تاریخی، بازار بزرگ، میدان ارگ، محله دودلاجان، سردر باغ ملی، عمارت مسعودیه و مسجد و مدرسه سپهسالار، مشهور به مجموعه شهید مطهری، مسیرهای شناخت شهرند. بازار، از پیوند تجارت و زندگی اجتماعی سخن می‌گوید؛ مسعودیه و بناهای بهارستان، یادآور تحولات سیاسی‌اند و معماری سپهسالار، گوشه‌ای از هنر مذهبی دوره قاجار را پیش چشم می‌گذارد. موزه ملی ایران، موزه آبگینه، موزه هنرهای معاصر و موزه سینما در باغ فردوس نیز راه‌هایی برای دیدن تاریخ و آفرینش هنری‌اند. در شمال شهر، مجموعه‌های سعدآباد و نیاوران، فصل دیگری از معماری و زندگی سیاسی پایتخت را روایت می‌کنند. بقاع و زیارتگاه‌ها نیز در شکل‌گیری هویت و زندگی محله‌ها سهم دارند. حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در ری، در کنار بقاع امامزاده حمزه و امامزاده طاهر، از کانون‌های مهم زیارتی این پهنه است. در تجریش، امامزاده صالح (ع) با بازار و زندگی روزمره پیرامون خود پیوند دارد؛ امامزاده داوود (ع) در ناحیه کوهستانی شمال غرب و امامزاده جعفر (ع) در پیشوا نیز از مقصدهای شناخته‌شده زیارت‌اند. در ری، چشمه‌علی و برج طغرل و در ورامین، مسجد جامع دوره ایلخانی، نشان می‌دهند که میراث استان در محدوده مرکزی پایتخت خلاصه نمی‌شود. تهران معاصر نیز نشانه‌های خود را ساخته است: برج آزادی، برج میلاد، پل طبیعت و پهنه گردشگری چیتگر، در کنار پارک‌ها و فضاها، فرهنگی، به تصویر امروز شهر افزوده‌اند. خیابان ولیعصر، با امتداد ۱۷٫۲ کیلومتری از میدان راه‌آهن تا تجریش، مسیری برای خواندن تغییرات تهران از جنوب به شمال است. این خیابان در فهرست موقت پیشنهادی ایران به یونسکو قرار دارد؛ وضعیت آن با ثبت قطعی میراث جهانی متفاوت است.

برای طبیعت‌گردی، دامنه‌های توحال، دربند و درکه، نواحی کوهستانی شمیرانات و چشم‌اندازهای شهرستان‌های دماوند و فیروزکوه، چهره دیگری از استان را نشان می‌دهند. تنگه واشی در فیروزکوه، با مسیر آبی و نقش برجسته قاجاری، نمونه‌ای از هم‌نشینی طبیعت و تاریخ است. باغ‌ها و کشتزارهای شهرستان‌های غربی و جنوبی نیز بخشی از جغرافیای زنده تهران‌اند؛ جغرافیایی که حفاظت از آن، به اندازه معرفی جاذبه‌هایش اهمیت دارد.



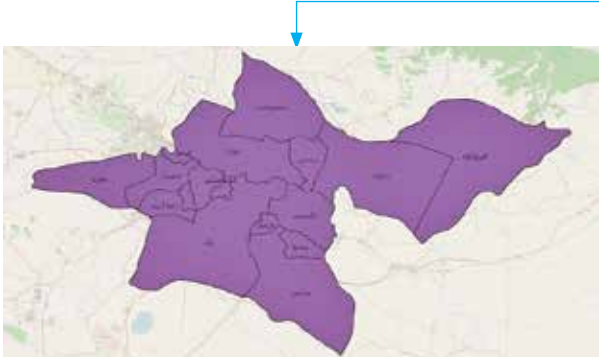
شهری که مردم به آن هویت داده‌اند

در کنار بناها، تهران میراثی دارد که در رفتار و خاطره مردم زنده است: آیین‌های مذهبی بازار و ری، قصه‌های محله‌ها، فرهنگ قهوه‌خانه‌ای، نقالی، نمایش‌های مردمی و تجربه همزیستی اقوام و ادیان. نقالی در سال ۱۳۹۰، برابر با ۲۰۱۱، به نام ایران در فهرست میراث فرهنگی ناملموس نیازمند پاسداری فوری یونسکو ثبت شد؛ هنری ملی که در زندگی فرهنگی تهران نیز حضور داشته است. حفظ چنین میراثی، به ثبت روایت‌ها، مداوم اجرا و انتقال مهارت به نسل‌های تازه نیاز دارد. رشد تهران با حضور مردمانی از سراسر ایران همراه بوده است. هر نسل، بخشی از زبان، رسم، حرفه و تجربه خود را به شهر آورده و در ساختن آن سهم گرفته‌است. دانشگاهیان، هنرمندان، بازاریبان، صاحبان حرفه و کارکنان خدمات عمومی، در کنار خانواده‌هایی که زندگی خود را در محله‌ها بنا کرده‌اند، هویت پایتخت را شکل داده‌اند. از همین رو، شناخت تهران با شنیدن روایت مردم آن کامل می‌شود.



پایتختی؛ ظرفیت بزرگ و مسئولیت مشترک

تهران امروز، محل استقرار نهادهای اصلی قوای سه‌گانه، بسیاری از وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری ملی است. در سطح استان، استانداری و فرمانداری‌ها نقش هماهنگی امور اجرایی را بر عهده دارند و شوراهای اسلامی شهر و شهررداری‌ها، در اداره امور محلی و خدمات شهری نقش ایفا می‌کنند. در پایتخت، تصمیم‌های ملی، برنامه‌های استانی و مدیریت شهری بر یک جغرافیا اثر می‌گذارند؛ هماهنگی این سطوح برای اداره مسائل مشترک ضروری است. استقرار دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، مراکز تخصصی درمان، شرکت‌های دانش‌بنیان، صنایع، شبکه تجارت و نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای، ظرفیت گسترده‌ای برای تهران فراهم کرده است. شهرستان‌های استان نیز در تولید صنعتی، کشاورزی، گردشگری و تأمین نیروی کار سهم دارند. این توازن، زمانی به توسعه متوازن کمک می‌کند که ارتباط میان دانش و تولید تقویت شود و فرصت‌های پیشرفت در دسترس مناطق و گروه‌های بیشتری قرار گیرد. گسترش شهر و تمرکز فعالیت‌ها، هم‌زمان مسائل دشواری پدید آورده است: ترافیک و آلودگی هوا، فشار بر منابع آب، هزینه مسکن، فرسودگی بخشی از بافت‌ها و تفاوت محله‌ها در دسترسی به خدمات. فرونشست در بخش‌هایی از دشت تهران نیز نشان داده است که برداشت از آب زیرزمینی می‌تواند بر پایداری زمین و زیرساخت‌ها اثر بگذارد. رسیدگی به این مسائل، به برنامه‌ریزی در مقیاس شهر و منطقه، حفاظت از منابع و تقسیم کار روشن میان دستگاه‌ها نیاز دارد. تهران در گذر زمان، پاره‌ها و اندازه خود را تغییر داده است. این عمل پرسش اصلی به کیفیت این تغییر بازمی‌گردد؛ چگونه می‌توان میراث شهر را حفظ کرد، از توان علمی و اقتصادی آن بهره گرفت و زندگی روزمره مردم را بهبود بخشید؟ هفتۀ فرهنگی تهران فرصتی برای طرح همین پرسش است. شناخت باغ‌ها، محله‌های ماندگار، بناهای تاریخی و تجربه ساکنان، می‌تواند تصمیم‌های آینده را سنجیده‌تر کند. شهری که از یک آبادی در کنار ری به پایتخت ایران رسید، ادامه داستان خود را با انتخاب‌های امروز می‌نویسد.



میان کوه و دشت؛ تهران روی نقشه

شهر تهران در دامنه جنوبی البرز قرار دارد؛ بر پهنه‌ای که از ارتفاعات شمالی به دشت‌های جنوبی امتداد می‌یابد. این اختلاف ارتفاع، بر آب‌وهوا، جریان آب و شکل گسترش شهر اثر گذاشته است. در مقیاس استان، تنوع بیشتری‌شود: نواحی مرتفع شمیرانات، دماوند و فیروزکوه، زمستان‌های سردتر و طولانی‌تری دارند و دشت‌های جنوبی و جنوب‌غربی، با اقلیم خشک و نیمه‌خشک و تابستان‌های گرم‌تر شناخته می‌شوند. همین جغرافیا، زمینه شکل‌گیری باغداری، کشاورزی، سکونتگاه‌های کوهپایه‌ای و مسیرهای تاریخی رفت‌وآمد را فراهم کرده است. استان تهران با مازندران، البرز، مرکزی، قم و سمنان همسایه است و ۱۶ شهرستان دارد؛ در حالی که شهر تهران در مدیریت شهری به ۲۲ منطقه تقسیم می‌شود. تهران، ری و شمیرانات در کنار شهرستان‌هایی چون ورامین، پیشوا، شهریار، پاکدشت، رباط کریم، پردیس، دماوند و فیروزکوه، جغرافیایی را شکل می‌دهند که شناخت پایتخت بدون توجه به آن کامل نمی‌شود.

برای جمعیت و مساحت، باید محدوده شهر را از استان جدا کرد. وسعت شهر تهران در پژوهش‌های شهری حدود ۷۳۰ کیلومترمربع در نظر گرفته می‌شود. در جدول‌های سرشماری ۱۳۹۵ مرکز‌آمار ایران، مساحت استان تهران ۱۳ هزار و ۶۸۹ کیلومترمربع و جمعیت آن ۱۳ میلیون و ۲۶۷ هزار و ۶۳۷ نفر ثبت شده است. گزارش «چشم‌انداز شهرنشینی جهان ۲۰۲۵» سازمان ملل نیز جمعیت تهران را در تعریف آماری «مرکز شهری»، حدود ۹ میلیون و ۱۷۵ هزار نفر برآورد کرده و در رتبه ۳۸ جهان قرار داده است. این برآورد مربوط به سال ۲۰۲۵ و محدوده تعریف‌شده در همان گزارش است و جمعیت کل استان را بیان نمی‌کند.



نخستین‌ها؛ از روزنامه تا رادیو

پایتخت‌شدن، تهران را به محل شکل‌گیری شماری از نهادهای تازه ایران تبدیل کرد. در سال ۱۲۱۶ خورشیدی، برابر با ۱۸۳۷ میلادی، میرزا صالح شیرازی نخستین روزنامه ایران را در تهران منتشر کرد؛ نشریه‌ای که با نام «کاغذ اخبار» شناخته می‌شود. چهارده سال بعد، در ۱۲۳۰ خورشیدی، دارالفنون به ابتکار امیرکبیر گشایش یافت و آموزش نوین علوم و فنون را در قالب مدرسه‌ای عالی توسعه داد. دارالفنون را باید از پایه‌های آموزش جدید ایران دانست؛ نهادی که در تربیت نسل تازه‌ای از متخصصان و گسترش ترجمه و دانش نقش داشت. این مسیر در قرن چهاردهم خورشیدی ادامه یافت. تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، شکل‌گیری نخستین دانشگاه جامع به شیوه نوین در ایران را رقم زد و به توسعه آموزش عالی کشور کمک کرد. در چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹، برابر با ۲۴ آوریل ۱۹۴۰، رادیو ایران در تهران آغاز به کار کرد؛ رسانه‌ای که خبر، موسیقی و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی را به خانه‌ها برد. از روزنامه تا مدرسه، دانشگاه و رادیو، بخشی از داستان تهران، داستان گسترش آگاهی در ایران است.



سه روایت تهران در میراث جهانی

استان تهران در سه پرونده میراث جهانی یونسکو سهم دارد. کاخ گلستان به‌صورت مستقل ثبت شده است و کاروانسرای سنگی پرند و بخش‌های واقع در استان از راه‌آهن سراسری ایران، اجزای دو پرونده سراسری‌اند. این سه اثر، از سه مسیر به تاریخ این سرزمین راه می‌برند: حکومت و هنر، سفر و تجارت، و مهندسی و ارتباطات. کاخ گلستان، در مرکز تاریخی تهران، حافظه معماری و سیاسی پایتخت قاجار است. پیشینه مجموعه به دوره صفوی می‌رسد، اما بیشتر بناها و آرایه‌های شاخص آن در عصر قاجار شکل گرفته‌اند. تالارها، کاشی‌کاری‌ها و باغ مجموعه، از پیوند سنت‌های ایرانی با تأثیرات هنر و معماری اروپایی خبر می‌دهند. گلستان در دوم تیر ۱۳۹۲، برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳، در فهرست میراث جهانی ثبت شد؛ عرصه ثبت‌شده آن ۵٫۳ هکتار است.

در جنوب‌غرب استان، کاروانسرای سنگی پرند، معروف به قلعه سنگی، یادگار شبکه تاریخی سفر و دادوستد است. بنایی با مصالح سنگی و حیاط مرکزی که در ارزیابی ایکوموس، از نمونه‌های دوره سلجوقی معرفی شده است. این کاروانسار در شهریور ۱۴۰۲، همراه با پرونده «کاروانسراهای ایرانی»، به ثبت جهانی رسید و یکی از ۵۴ جزء آن است. حضور چنین بنایی در کنار شهر جدید پرند، پیوند مسیرهای کهن با جغرافیای زندگی امروز را آشکار می‌کند.

راه‌آهن سراسری ایران، سومین روایت است. این مسیر ۱۳۹۴ کیلومتری، از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷ خورشیدی ساخته شد و در سوم مرداد ۱۴۰۰، برابر با ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱، ثبت جهانی شد. سهم تهران از این میراث، بخش‌هایی از مسیر تاریخی و تأسیسات آن است؛ ایستگاه مرکزی تهران نیز در چارچوب همین اثر سراسری قرار دارد. ارزش راه‌آهن، هم در مهندسی عبور از زمین‌های دشوار است و هم در تغییری که در ارتباطات، سفر و اقتصاد ایران ایجاد کرد.